



کرونا-حالا در اغلب شهرهای ما به قرمزترین رنگ ممکن درآمده است. تعداد فوتی‌ها با وجود تزریق واکسن و کاهش سن تزریق کنندگان همچنان سه رقمی است. بیمارستان‌ها تخت خالی برای بستری بیماران جدید ندارند و البته همچنان رعایت پروتکل‌های زیر ۴۰ درصد است. نگاهی به چهره شهرها نشان می‌دهد با وجود اعمال محدودیت‌ها و تعطیلی چند روزه، کماکان همه اماکن عمومی و خرید باز است و اتفاقاً برخلاف توصیه‌ها و هشدارها؛ سفرشهرندان در تعطیلات تابستانی رونق زیادی گرفته است، اما سؤالی که باید پرسید این است چه اتفاقی باعث شده تا برخی‌ها بدون توجه به رعایت حقوق دیگران ماسک‌ها را از روی صورت برمی‌دارند؟ چرا در شرایطی که زنگ خطر برای رعایت پروتکل‌ها به صدا درآمده عده‌ای خودخواهانه و از روی لجبازی و تعمد ماسک نمی‌زنند؟ چرا به رغم توصیه کارشناسان گروهی که در لیست واکسیناسیون هستند، مراجعه نمی‌کنند و عده‌ای برخلاف آنها حاضرند وجدانشان را دور بزنند و در صف واکسیناسیون با پرداخت مبلغی از دیگران جلوتر باشند؟ عده‌ای هم چون واکسن زده‌اند می‌گویند «به من چه» و حاضر نیستند به نفع دیگران و در اصل خودشان پروتکل‌ها را جدی‌تر بگیرند! در مقابل البته گروهی دیگر هم ایستاده‌اند؛ گروهی که آگاهانه و اکسن زدن را انتخاب کرده‌اند، به عملکردها اعتماد دارند و اتفاقاً اصرار دارند تا واکسن ایرانی تزریق کنند. ویژگی این گروه اعتماد و اطمینان داشتن است. می‌گویند ما به فرایند واکسیناسیون اعتماد داریم و حتی تبلیغات منفی هم نمی‌گذار د ما در دسته بی‌خیال‌ها باشیم. آنها جزو آن دسته‌ای هستند که نگاهشان به اداره بیماری خوشبینانه است. اعتقاد دارند که باید به سهم‌شان در قبال شهروندان دیگر متعهدانه عمل کنند. آنها همان‌هایی هستند که در هر شرایطی طرف خوب ماجرا را می‌گیرند. انتقاد اجتماعی البته برایشان بی‌مفهوم نیست. معنای انتقاد اما با اعتمادشان ناسازگار نیست. نگاه شما به مدیریت کرونا و واکسیناسیون به کدام گروه شباهت بیشتری دارد؟ آیا همچنان باور دارید که اداره وضعیت کرونا با چالش‌ها و نقاط ضعف زیادی همراه بوده یا نه اساساً ترجیح می‌دهید خوشبینانه طبق آنچه که برنامه‌ریزی شده جلو بروید! در هر صورت شما در هر دسته‌ای که باشید جزو سرمایه‌های اجتماعی تلقی می‌شوید که اعتمادتان به نظام اجتماعی می‌تواند در صد و ابستگی تان را به هنجارها و باورها تغییر دهد. این یک مثال ساده و عامیانه از مفهومی به نام «اعتماد اجتماعی» و «سرمایه اجتماعی» بود که شاید تعریف‌اش برای بسیاری از ما سخت به نظر برسد؛ اما ما باید به دنبال راه حل‌هایی باشیم که این سرمایه اجتماعی را تقویت کند. اساساً نظام‌های اجتماعی هم به دنبال تقویت سرمایه‌های اجتماعی خود هستند. برخی کارشناسان هشدار می‌دهند که در سال‌های اخیر وضعیت معیشتی مردم و حال‌هم بیماری کرونا، سرمایه اجتماعی را به پایین‌ترین سطح ممکن رسانده است. به اعتقاد آنها افول سرمایه اجتماعی برزگترین چالش پیش روی دولت آینده است و باید برای بازسازی آن با توجه به پیچیدگی‌هایی که جامعه ایران دارد، راه‌حل‌های اورژانسی پیدا کرد. با دکتر سید یعقوب موسوی؛ جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در باره وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران در این شرایط خاص (کرونا) به گفت‌وگو نشسته‌ایم که می‌خوانید:

گفت و گوی «ایران» با دکتر سید یعقوب موسوی؛ جامعه شناس درباره وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران در شرایط کرونا

بهبود نظام سلامت موجب صعود سرمایه اجتماعی می‌شود

■ با توجه به اینکه در سال‌های اخیر به دلایل مختلف اعتماد عمومی به عملکرد مسئولان دچار آسیب‌هایی شده است و مردم نسبت به برخی اقدامات دچار بدبینی و بی‌انگیزگی شده‌اند چطور می‌توان در حال حاضر این وضعیت را بهبود بخشید و به عبارتی بازسازی کرد، البته باید به نقش دولت و مردم هم توجه کنیم. فکر می‌کنید هر کدام باید چه وظایفی را برعهده بگیرند و چگونه به سهم خود در این زمینه عمل کنند؟

اعتماد اجتماعی بحث کلیدی تحلیل وضعیت اجتماعات در دنیای کنونی است که در حال حاضر مورد توجه بسیاری از کارشناسان اجتماعی قرار گرفته است. درواقع اعتماد یک رکن اساسی تحولات اجتماعی محسوب می‌شود. به این اساس به هر میزان اعتماد اجتماعی افزایش یابد، به تناسب آن زمینه برای بسیاری از فعالیت‌های دیگر همچون مشارکت اجتماعی، همکاری جمعی، مسئولیت‌پذیری و مداخله مثبت در امور اجتماعی هم افزایش می‌یابد.

■ شاید بهتر باشد که ببینیم اساساً این اعتماد اجتماعی چگونه تعریف می‌شود گویی برداشت‌های متفاوتی از این مفهوم داریم می‌گیرد و به همین دلیل نمی‌توان در نهایت به یک حرف مشترک رسید...

اساساً اعتماد اجتماعی یعنی همگرایی هنجارمند؛ باورمندی مشترک و پذیرش متقابل بین آحاد جامعه. اعتماد یعنی زندگی در یک فضای ذهنی ارزشی و هنجاری مشترک که مورد پذیرش عموم مردم است. از گذشته‌های دور تاکنون نیز سنگ‌بنای اجتماعات براساس باورمندی‌های متقابل بوده است که البته از سطح خانواده شروع می‌شود و در سطح اجتماعات با پیچیدگی‌های گسترده‌ای که در دنیای کنونی ایجاد شده، ادامه می‌یابد.

■ اگر اعتماد اجتماعی را سنگ بنای جامعه فرض کنیم پس فاکتورهای زیادی باید از آن تبعیت کند. این طور نیست؟

بله متغیرهای متعددی وجود دارد که متأثر از اعتماد اجتماعی است. این متغیرها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. باید تأکید کنم که ایجاد اعتماد اجتماعی در یک جامعه موضوعی ساده و پیش پا افتاده نیست و به تعبیر جامعه‌شناسان مستلزم برنامه‌ریزی فنی و مدیریتی است. به عبارتی با سخنرانی و خطابه نمی‌توان اعتماد اجتماعی را در جامعه ایجاد کرد. اعتماد اجتماعی هم مفهوم ذهنی و هم علمی دارد و تحلیل اعتماد اجتماعی مستلزم تحلیل در سطوح مختلف جامعه است. بویژه در جامعه ایران که یک جامعه در حال گذار و توسعه است و بحران‌های متعدد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را هم تجربه می‌کند. جامعه‌ای که از وجهه مختلف قومیتی و اقلیمی تشکیل شده و به تعبیر برنامه‌ریزان اجتماعی از سیاست متراکم سرمایه‌ی برخوردار است. بنابراین در چنین جامعه‌ای بحث اعتماد از نظر یافتن راه‌حل‌های تأمین آن بسیار پیچیده است.

■ خب چگونه می‌توان با تقویت اعتماد میان مردم و دولت، سرمایه اجتماعی که این روزها به نظر می‌رسد قدرت قبل را ندارد تقویت کرد؟ درواقع بزرگترین نگرانی اینجاست که تضعیف سرمایه اجتماعی آن طور که باید جدی گرفته شده

اعتماد بخش مهمی از سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی هم ابزاری مهم برای هر نوع برنامه‌ریزی در سطوح کلان، متوسط و خرد جامعه است. درواقع سرمایه اجتماعی از مؤلفه‌های مختلفی تشکیل شده که اعتماد ستون اصلی آن است. از آنجا که سرمایه اجتماعی شامل مؤلفه‌هایی مثل اعتماد، مشارکت، خودباوری، خودآگاهی اجتماعی، سواد، هویت، معنویت، فرهنگ و غیره است؛ بنابراین به هر میزان که بیشتر تقویت شود، می‌تواند بر تمام این مؤلفه‌ها تأثیر بگذارد. اگر بخواهیم سرمایه اجتماعی را قوی کنیم باید به سراغ آسیب‌شناسی آن برویم. نخبگان، محققان و متعلمین باید وارد میدان شده و به سراغ راه حل‌هایی برای بازپروری آن از نظر تولید دانش، فرهنگ، ادبیات عمومی و اجتماعی بروند. در این صورت کار سیاستگذاران و برنامه‌ریزان هم سهل می‌شود



این ویروس و مدیریت و کنترل بیماری از سوی مدیران نوعی انسجام عمومی وجود دارد. مردم نیز تاحد ممکن به رعایت پروتکل‌ها پایبندند؛ البته که این روزها وضعیت وخیم شده است. اما اینکه بخواهیم ارتباط مستقیمی بین پدیده واکسیناسیون و افزایش سرمایه اجتماعی ایجاد کنیم؛ این ارتباطی مثل آن ارتباطی که بین سرمایه اجتماعی و بخش صنعت؛ تولید؛ توسعه و رفاه اقتصادی وجود دارد، است. یعنی هر میزان که ما در بخش صنعت؛ تولید؛ توسعه و رفاه اقتصادی وجود دارد، است. یعنی هر میزان که ما دچار مشکل بوده و عقب هستیم؛ در اینجا نیز از آنچه باید باشیم؛ عقب‌تریم. اگر کاربرد سرمایه

تاریخ با امراض سخت و پیچیده‌تری هم مواجه بوده و توانسته‌ایم از این شرایط به هر طریق ممکن عبور کنیم؛ نشان می‌دهد که قدرت حفظ نظام اجتماعی ایران در برابر مهاجمات وجود دارد. این یک نوع نگاه باورمندانه است؛ اما اگر بخواهیم واقع‌گرایانه نیز نگاه کنیم باید ببینیم در این مدت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تا چه اندازه فعال بوده است. به اعتقاد من در مدیریت کرونا بالاخره سطحی از اعتماد و تمکین به برنامه‌ها و مدیران وجود دارد. اگرچه وضعیت گرانی و عدم تأمین نیازهای اساسی نوعی گلابه‌مندی در بین مردم ایجاد کرده است؛ اما در مجموع و در مقابل

کرونا و گسست ارتباطات اجتماعی

ما اخیراً شاهد این هستیم که بسیاری از چهره‌های علم و فرهنگ در دانشگاه‌ها به دلیل ابتلای بیماری کرونا از میان ما رفته‌اند. متأسفانه دانشگاه علامه طباطبائی هم‌اکنون سوگوار از دست دادن دکتر احمد گل‌محمدی یکی از اساتید برجسته این دانشگاه است. با آنکه این اندیشمند دوز اولیه واکسن را هم تزریق کرده بود اما بیماری بر جسم او غالب شد و از وجود یک استاد شاخص، مؤلف و مترجم عالم بی‌ بهره ماندیم. از دست دادن چهره‌هایی مثل ایشان بر اثر کرونا ضایعه بسیار عظیمی است که به سادگی توسط جامعه علمی قابل جبران نیست. همچنین شاهد آن هستیم که نزدیک به دو سال است که آموزش در دانشگاه‌ها، خصوصاً دانشگاهی‌های مانند دانشگاه علامه طباطبائی که اصلش علوم انسانی و علوم اجتماعی است براساس آموزش مجازی و از راه دور اجرا می‌شود.

درست است که آموزش مجازی توانسته دانشگاه را سرپا نگهدارد اما نباید فراموش کرد محیط دانشگاه و آموزش در دانشگاه در واقع امری حضوری است و ما خسارت‌های جدی بر اثر لغو آموزش‌های حضوری متحمل شدیم. تنها دستاویزی که می‌تواند کمک‌رسان ما در این شرایط باشد تا روزانه شاهد از بین رفتن اساتید و بزرگان و سرمایه‌های اجتماعی کشور نباشیم رعایت پروتکل هاست. در حال حاضر واکسیناسیون برخی اساتید و کارکنان دانشگاه‌ها سرعت گرفته ولی باید فرهنگسازی کرد و به اقشار جامعه آموزش داد که بدون ماسک و بدون رعایت فاصله ایمنی و موازین بهداشتی؛ واکسیناسیون نمی‌تواند ما را به تنهایی ایمن کند.

کنند. به نظر شما این وضعیت می‌تواند سطح سرمایه اجتماعی را در آینده تقویت کند؟ بله این عناصر در سرمایه اجتماعی ما وجود دارد. شما ببینید هم اکنون حتی در سطوح روستا و مناطق پراکنده و دورافتاده نیز مردم در انتظار دریافت واکسن هستند در حالی که در برخی کشورهای پیشرفته از مردم خواهش می‌کنند و برایشان امتیازی در نظر می‌گیرند تا به مراکز واکسیناسیون مراجعه کنند. این به معنای افزایش آگاهی عمومی در ایران است. همان طور که پیش‌تر اشاره کردم آگاهی جزئی از سرمایه اجتماعی است. خوشبختانه مردم ایران رویکرد مثبتی به فرایند واکسیناسیون داشته‌اند و اتفاقاً نقد اصلی اینجاست که چرا توزیع واکسن در برهه‌ای کند پیش رفته است و یکی از کلاه‌ها هم به عدم تأمین کافی واکسن ایرانی برمی‌گردد. چرا که مردم تمایل دارند تا واکسن ایرانی به تولید انبوه برسد و نسبت به وضعیت قطره چکانی آن اعتراض دارند. این یعنی اقبال خوبی به تزریق واکسن تولید داخل وجود دارد و مردم نسبت به دستاورد کشورشان اعتماد دارند. به هرحال افکار عمومی بخشی از سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. البته ممکن است و من هم در نمی‌کنم که به دلایلی و بیشتر به علت تبلیغاتی که در شبکه‌های مجازی انجام می‌شود، بخش‌هایی از جامعه نسبت به دریافت واکسن داخلی دچار تردید باشند و واکسن وارداتی را ترجیح بدهند. با این وجود و به رغم همه تردیدها و نقدهایی که در فضای رسانه‌ای نسبت به واکسن داخلی انجام می‌شود، سرمایه اجتماعی ما مستعد پذیرش پدیده واکسیناسیون عمومی است و این یعنی مردم اعتماد دارند و اگر هم تأخیری وجود دارد به بخش برنامه‌ریزی بهداشت و درمان برمی‌گردد. به هرحال ممکن است مشکلاتی وجود دارد که بنده در جریان آن نیستم؛ اما در حوزه مسائل اجتماعی باید تأکید کنم که رابطه متقابل وجود دارد. اجرای طرح واکسیناسیون مصونیت بخش فیزیکی است. قطعاً جامعه‌ای می‌تواند از نظر اجتماعی رشد کند که از سلامت جسمی و ذهنی برخوردار باشد. «سلامت» یکی از شاخص‌های بسیار مهم است که با مقایسه میزان مرگ و میر نسبت به دهه‌های گذشته متوجه می‌شویم که شاخص سلامت رشد متعادلی داشته و می‌بینیم که سن امید به زندگی در ایران افزایش یافته است. نظرات بدبینانه‌ای هم وجود دارد که صحبت از تنزل شاخص‌های سلامت دارد که می‌توان درباره آن بحث کرد؛ اما اگر بخواهیم بی طرفانه به موضوع نگاه کنیم به رغم همه معضلات اقتصادی و گرفتاری‌ها و افول شاخص سلامت در برخی مناطق کشور؛ اما در مجموع تحولات گسترده‌ای در طول این سال‌ها و در سطح ملی اتفاق افتاده است که جمعیت‌شناسان و کارشناسان حوزه بهداشت می‌توانند ورود کنند و توضیح دهند. پدیده واکسیناسیون گام مهمی در تأمین بهداشت جامعه است؛ بنابراین هر چقدر قوی‌تر و سریع‌تر عمل کنیم، به توسعه سلامت کشور کمک کرده‌ایم. همان طور که می‌دانید، سلامت جزئی مهم از توسعه اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی است و متقابلاً بر فرایندهای دیگر هم اثر می‌گذارد و البته تأثیرات تو در تو و پیچیده زیادی دارد که حتی با متغیرهای بهداشت هم در ارتباط است.